

هو الأبهی - ای حبیب من، چندیست که اثر قلبی پدید نه...

عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هو الأبهی

ای حبیب من، چندیست که اثر قلبی پدید نه و خبری از آن مفتون الهی و شیدای جمال رحمانی نمیرسد چه شده است که بلبل از غزلخوانی در گلشن الهی باز مانده و چه واقع گشته که خم مل محبت الله از جوش و خروش افتاده و حال آنکه باید انا فانا جوشش و حرارت و سورتش زیاده گردد تا آن اقلیم را نمخانه صهبا جنت نعیم نماید آنجناب باید چنان نغمه و آوازی برآرند که امکان را باهتزاز آرند و شرق و غرب را سرمست باده رمز و راز نمایند. نه اینکه سکوت اختیار کنید و سر در آغوش صمت درآرید وقت نطق و بیانست و هنگام قیام بعبودیت حضرت یزدان. عبودیت آن ذات احدیت امانت عظیمه است که ثقل اعظمست و آسمان و زمین و جبال از حملش عاجز پس حاضر شو که این بار گرانرا در کمال روح و ریحان چون این عبد حمل نمائی و مورد طعن و سب و شتم و تکفیر و تفسیق و شبهات امم گردی تا قطره ئی از بحر بلایای جمال قدم روحی لعباده الفدا نصیب بری و البهء علیک یا حبیبی ع ع



ORIGINAL



AUDIO